

به اهتمام محسن شهرنازدار



سفرنامه‌های معاصر بلوچستان

بخش اول: ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷ خورشیدی

محمودخان علاءالملک دیبا، رضاعلی دیوان‌بیگی
فرج‌الله فرود، سرلشکر محمود امین



سفرنامه‌های معاصر بلوچستان



دپژوهش‌های ایران فرهنگی، ۸

سفرنامه‌های معاصر بلوچستان

بخش نخست: ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷ خورشیدی

محمود علاءالملک دیبا، رضاعلی دیوان‌بیگی
فرج‌الله فرود، سرتیپ محمود امین

به اهتمام محسن شهرنازدار



آبی پاریسی
پل فیروزه
۱۳۹۸

این کتاب با حمایت
سازمان منطقه آزاد چابهار
منتشر شده است.



سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۴ -- خاطرات Politicians, Iranian -- 20th century -- Diaries*	موضوع	شهرنازدار، محسن، ۱۳۵۶-	سرشناسه
بلوچستان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴ Baluchistan -- Social conditions -- 20th century	موضوع	سفرنامه‌های معاصر بلوچستان/ به اهتمام محسن شهرنازدار.	عنوان و نام پدید آور
بلوچستان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۳ Baluchistan -- Social conditions -- 19th century	موضوع	تهران: موسسه آبی پارسی: انتشارات پل فیروزه، ۱۳۹۹-	موضوعات نشر
بلوچستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ Baluchistan -- Politics and government -- 20th century	موضوع	ج ۱: ص ۴۰۶ + ۱۴۰۷ - ۲۱۰۳ م.	مشخصات ظاهری
سیستان و بلوچستان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴ Sistan and Baluchistan (Iran: Province) -- Social conditions -- 20th century	موضوع	پژوهش‌های ایران فرهنگی: ۶.	فهرست
سیستان و بلوچستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ Sistan and Baluchistan -- Politics and government -- 20th century	موضوع	دوره: ۷-۴-۹۷۰۲۱-۹۷۸-۶۲۲:	شابک
سیستان و بلوچستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ Sistan and Baluchistan -- Politics and government -- 20th century	موضوع	ج ۱: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۲۱-۵-۴:	
سیستان و بلوچستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ Sistan and Baluchistan -- Politics and government -- 20th century	موضوع	ج ۲: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۲۱-۶-۱:	
سیستان و بلوچستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ Sistan and Baluchistan -- Politics and government -- 20th century	موضوع	ج ۳: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۰۲۱-۷-۸:	
سیستان و بلوچستان -- سیاست و حکومت -- قرن ۱۴ Sistan and Baluchistan -- Politics and government -- 20th century	موضوع	وضعیت فهرست نویسی فیبا	وضعیت فهرست نویسی
کرمان -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴ Kerman (Iran) -- Social conditions -- 20th century	موضوع	ج ۱: ۱۳۱۷-۱۲۸۰ خورشیدی محمود علاءالملک	موضوعات
ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۵۷-۱۳۰۴ Iran -- History -- Pahlavi, 1925-1978	موضوع	دیا، رضا علی دیوان‌بیگی، فرج‌الله فرود، سرتیب محمود امین. ج ۲: ۱۳۵۱-۱۳۳۱ خورشیدی حسین ملک، معزالدين مهدوی، محمود زند مقدم، اسلام کاظمیه.	
DSR۲۰۲۹	رده بندی کنگره	ج ۳: ۱۳۸۰-۱۳۵۱ خورشیدی محمد بوم، سعید جانب‌الهی، ابراهیم مختلاری، کمال‌الدین غرابه	
۹۵۵/۷۴	رده بندی دیویی	محمد رضا درویشی، محسن شهرنازدار	
۷۳۳۰۳۸۳	شماره کتابشناسی ملی	سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۴	موضوع
فیبا	وضعیت رکورد	Travelers' writings, Iranian -- 20th century	موضوع
		سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۳. -- خاطرات	موضوع
		Politicians, Iranian -- 19th century -- Diaries*	موضوع

سفرنامه‌های معاصر بلوچستان؛

بخش نخست: ۱۲۸۰ تا ۱۳۱۷ خورشیدی

محمود علاءالملک دیا، رضا علی دیوان‌بیگی
فرج‌الله فرود، سرتیب محمود امین

به اهتمام محسن شهرنازدار

موسسه آبی پارسی؛ انتشارات پل فیروزه

تصویر روی جلد: تصویری از دوست محمدخان بارکزهی همراه با
افسر نظامی که در کنار او نشسته است. احتمالاً در تهران سال ۱۳۰۸.
در سمت چپ تصویر میرشاکر زند معروف به شکر ایستاده است.

به یاد حمیدالله سردارزهی ۱۳۳۸-۱۳۹۹
و تقدیم به دوستان او

فهرست

۹	سخن ناشر
۱۵	مقدمه
۳۵	دربارهٔ واژهٔ معاصر ...
۳۷	سفرنامهٔ بلوچستان
۸۵	یادبودی از کرمان و بلوچستان
۲۰۳	تاریخ جنگ بلوچستان
۳۱۷	عملیات لشکر ۸ مکران
۳۹۱	نمایه
	محسن شهرنازدار
	محسن شهرنازدار
	سید محمود علاء الملک دیبا
	رضاعلی دیوان بیگی
	سید فرج الله فرود
	سرتیپ محمود امین

سخن ناشر

مؤسسه آبی پارسی برای جبران کمبود منابع پژوهشی درخصوص معرفی و شناساندن تاریخ و فرهنگ غنی بلوچستان، بخش نخست مجموعه کتب «پژوهش های ایران فرهنگی» را به انتشار بیست و دو عنوان کتاب شامل تألیف، ترجمه، استنساخ و گردآوری منابع مهم و بنیادین درباره این منطقه از ایران اختصاص داده است. دبیر این مجموعه سترگ آقای محسن شهرنازدار پژوهشگر حوزه انسان شناسی و مطالعات قومی هستند که در طی دو دهه گذشته موضوع بلوچستان را از خلال پژوهش های میدانی و نیز مطالعات کتابخانه ای دنبال کرده اند و عهده دار این مسئولیت مهم شده اند. ایشان از اواسط دهه هشتاد، در صدد انجام این پروژه و نیز تدوین دانشنامه فرهنگ و جغرافیای بلوچستان بوده اند.

عناوین و شرح مجلد های این مجموعه در بخش های مختلف عبارتند از:

مطالعات تاریخی و فرهنگ شناختی:

بلوچستان در دانشنامه ایرانیکا: زیر نظر دبیر مجموعه، علاوه بر ترجمه نه مدخل مرتبط به تاریخ و فرهنگ بلوچستان از دانشنامه ایرانیکا، شامل تکمله هایی تألیفی بر هر مدخل است که توسط افراد متخصص در موضوع همان مدخل نوشته شده و کاستی های اطلاعات مداخل ایرانیکا را کامل می کند و یا اطلاعات تازه ای به آن می افزاید. این کتاب برای پژوهشگران مسائل تاریخ و فرهنگ بلوچستان، منبعی مهم و حائز اهمیت به شمار می رود.

بلوچستان و تاریخ مکران ایران ۱۹۰۶-۱۶۰۰ در کتاب جان گوردون لوریمر: شامل بخش‌های مربوط به بلوچستان در کتاب یادمانی و ارزشمند راهنمای خلیج فارس جان گوردون لوریمر دیپلمات و تاریخ‌نگار بریتانیایی است که علاوه بر تاریخ تحولات سیاسی منطقه از ابتدای قرن هفدهم میلادی تا سال‌های نخستین سده بیستم (همزمان با انقلاب مشروطه) به جغرافیای روستایی منطقه بلوچستان می‌پردازد و به خواننده اطلاعات ارزشمندی از وضعیت منطقه در ابتدای سده بیستم ارائه می‌دهد.

مقالات تاریخی و انسان‌شناختی بلوچستان: در دو مجلد زیر نظر دبیر مجموعه گردآوری شده و دربرگیرنده مهم‌ترین مقالات پژوهشی تاریخی و انسان‌شناختی طی دهه‌های گوناگون سده بیستم است که به شناخت بیشتر ما از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی بلوچستان از نگاه محققان غیر ایرانی می‌انجامد.

بلوچ و دیگران و بلوچ و همسایگان: عنوان ترجمه دو کتاب در حوزه مباحث گوناگون زبان‌شناختی و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای و چندرشته‌ای این حوزه است که در سمپوزیوم‌های زبان‌شناسی بلوچ در دانشگاه اوپسالا ارائه شده و زیر نظر خانم کارینا جهانی، اگنس کورن و پل تیتوس در دو مجلد مدون شده است. اشعار مردمی بلوچ نوشته لانگ ورث دیمز: کتاب مهمی که دیمز در نیمه دوم قرن نوزدهم آن را در بریتانیا منتشر کرده و حاوی منظومه‌ها و اشعار بلوچی، با توصیفی از ادبیات بلوچستان است.

کاوش در تپه بمپور: گزارش مفصلی از کاوش‌های باستان‌شناختی بناتریس دکاردی باستان‌شناس شهیر بریتانیایی در یکی از مهم‌ترین محوطه‌های پیش از تاریخ بلوچستان است که پس از نیم قرن ترجمه شده و در اختیار مخاطب فارسی زبان قرار گرفته است.

هشت گفتار در باستان‌شناسی و تاریخ سیستان و بلوچستان: اثر دکتر سیدمنصور سیدسجادی از باستان‌شناسان فاضل و سرپرست هیئت کاوش شهر سوخته است. این کتاب در هشت فصل علاوه بر دو متن تاریخی درباره بلوچستان، به معرفی جغرافیای تاریخی منطقه از عصر باستان تا دوران اسلامی

می‌پردازد و هر چند پیش‌تر منتشر شده، اما در این چاپ آخرین دستاوردها و یافته‌های کاوش‌های باستان‌شناختی سالیان اخیر شهر سوخته در دو فصل تازه تشریح شده است.

سفرنامه های ایرانی:

بلوچستان در سیاحت‌نامه‌های عصر قاجار: در دو مجلد شامل سفرنامه‌های حکام و سیاستمداران ایرانی به منطقه بلوچستان است که نگاه رجال سیاسی به منطقه و سیاست‌های حکومت قاجار در قبال بلوچستان را برای خواننده ترسیم می‌کند و همزمان چشم‌اندازی از وضعیت معیشتی مردم و آبادی‌های بلوچستان را ارائه می‌دهد.

سفرنامه‌های معاصر بلوچستان: در سه مجلد دربرگیرنده نگاه نویسندگان و پژوهندگان، رجال فرهنگی، سیاسی و نظامی به این منطقه طی یک قرن است که از سال‌های پایانی حکومت قاجار و انقلاب مشروطه ایران آغاز می‌شود و تا دهه هشتاد خورشیدی ادامه می‌یابد.

سفرنامه های غیر ایرانی:

بلوچستان ناکاویده: عنوان کتابی از ارنست فلویر افسر بریتانیایی مسئول ایستگاه تلگراف جاسک است که شرح سفر او از ژانویه ۱۸۷۶ تا می ۱۸۷۷ میلادی را در بر دارد و حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی از اوضاع اقلیمی و جغرافیایی و اقتصادی بلوچستان در سده نوزدهم است. متن اصلی نخستین بار در سال ۱۸۸۲ در لندن منتشر شده است.

سرگشته در بلوچستان: این کتاب مشاهدات ژنرال مک‌گرگور، افسر عالی‌رتبه ارتش بریتانیا در هند، در دهه‌های پایانی سده نوزدهم در بلوچستان و تشریح سیاست‌های حکومت استعماری بریتانیا در منطقه است. سرگشته در بلوچستان نیز نخستین بار در ۱۸۸۲ انتشار یافته شده و پس از قریب به صد و چهل سال به فارسی برگردانده شده است.

سه سفرنامه بلوچستان: شامل شرح سه سفر از سر پرسی سایکس در حدفاصل سال‌های ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۱ به بلوچستان است. سایکس یکی از مؤثرترین کارگزاران سیاسی بریتانیا در ایران آن دوران بوده است.

بلوچستان در سفرنامه‌های اروپاییان: شامل شش سفرنامه از کارگزاران، سیاحان و پژوهشگران خارجی است که حدفاصل نیمه قرن نوزدهم تا دهه‌های میانی سده بیستم به بلوچستان سفر کرده‌اند و شرح سفر خود را نوشته‌اند. این مجلد شامل سفرنامه‌های کاپیتان گرانت، گاستیگر، الا سایکس، اسکراین، گابریل و بالسان است.

اسناد:

بلوچستان در اسناد بریتانیا: گزیده اسناد آرشیو وزارت خارجه بریتانیا در دو مجلد که شامل گزارش‌های نظامی-امنیتی و سیاسی محرمانه بریتانیا در خصوص منطقه بلوچستان در سه دهه پایانی سده نوزدهم و سال‌های نخست سده بیستم است. این مجموعه علاوه بر اطلاعاتی که در خصوص مباحث سیاسی، نظامی و امنیتی منطقه دارد، شامل اطلاعات ارزشمندی در حوزه اقتصاد، کشاورزی، زندگی روستایی و وضعیت قبایل در بلوچستان است.

بلوچستان در عصر قاجار؛ گزیده جراید و مطبوعات: عنوان کتابی است شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده از خلال اهم اخبار، مقالات و یادداشت‌های مربوط به بلوچستان در مطبوعات عصر قاجار.

بلوچستان در عصر پهلوی اول؛ گزیده جراید و مطبوعات: شامل مدارک و اسناد و گزارش‌های برگزیده این دوران از مطبوعات عصر پهلوی اول است که به همت پژوهشگر این عرصه، آقای مسعود کوهستانی‌نژاد، گردآوری شده است.

بلوچستان در اسناد آرشیو ملی: گزیده‌ای از اسناد دوره قاجار و پهلوی درباره بلوچستان در آرشیو ملی است که دربردارنده اسناد مرتبط با مباحث و موضوعات مندرج در همه مجلدات این مجموعه است و به عنوان منبعی

دست اول برای پژوهشگران مطالعات تاریخ معاصر در حوزه بلوچستان کارکردی مهم دارد.

هدف از طراحی این مجموعه و انتخاب عناوین مذکور، مرتفع ساختن فقر و خلأ منابع موثق و قابل اتکا در حوزه مطالعات بلوچستان بود؛ کاری که از عهده و توان یک موسسه خصوصی خارج است و انجام آن بسیار زمان‌بر. اما با این وصف به همت و مساعدت سازمان منطقه آزاد چابهار و به خصوص دکتر عبدالرحیم کردی مدیرعامل منطقه آزاد که در قالب مسئولیت اجتماعی از این طرح حمایت کرد و همچنین اهتمام و جدیت شبانه‌روزی و بی‌وقفه دبیر مجموعه و نیز تلاش پیوسته همکاران ما در موسسه آبی پارسی، تولید محتوا و آماده‌سازی نهایی بیست‌ودو عنوان کتاب مذکور در کمتر از دو سال صورت گرفته است. همچنان که صائب فرمود:

می‌توان رفت به یک چشم پریدن تا مصر
بوی پیراهن اگر قافله‌سالار شود

عشق به میهن، دفاع از استقلال ملی و تمامیت ارضی کشور و تلاش برای حفظ و پاسداشت و معرفی تاریخ و موارث فرهنگی ایران‌زمین موجب شد تا همه سختی‌ها و مصائب، از گرانی مواد اولیه و هزینه‌های چاپ و کسادی بازار کتاب به‌خاطر فراگیری بیماری کرونا و سایر موانع... را پشت سر بگذاریم. سرانجام به مصداق «زهر باید خورد و انگارید قند» کام‌مان به‌خاطر به انجام رسانیدن یک «پروژه ملی» شیرین است.

موسسه آبی پارسی

مقدمه

سفرنامه‌های معاصر بلوچستان دربرگیرنده متونی است که رویکردهای مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکمیت مرکزی به این سرزمین را در طول یک قرن و در حد فاصل دو دوره قدیم و جدید در خود منعکس کرده است.

تاریخ معاصر بلوچستان از پایان دورانی پرتلاطم آغاز می‌شود؛ دورانی که در رقابت‌های سیاسی و نظامی بریتانیا و روسیه تزاری در آسیای مرکزی، «بازی بزرگ» نام گرفت و در آن بخش‌های بزرگی از خاک ایران از جمله مناطق خاوری بلوچستان از ایران جدا شد.

بریتانیا با وسعت قلمروی امپراطوری خود مدعی بود خورشید هرگز در سرزمین‌اش غروب نخواهد کرد اما این رویای شیرین از سوی عقاب روسیه تهدیدی دایمی می‌شد؛ به‌طوری‌که هر آن ممکن بود با گشودن بال‌هایش در سراسر مرزهای شمالی، خواب خوش پادشاهی متحد بریتانیای کبیر را آشفته و بدل به کابوس کند. بریتانیا با طرح شکل‌گیری سرزمین‌های حائل و همچنین کشیدن خط تلگراف اروپایی، که از جنوب ایران و بلوچستان عبور می‌کرد، سعی در مقابله با تهدیداتی داشت که اقتدارش را در منطقه هدف گرفته بود. اجرای این پروژه با مقاومت‌های محلی روبه‌رو شد؛ از جمله ابراهیم‌خان سرهنگ، نایب‌الحکومه بم و بلوچستان، مخالف نفوذ بریتانیا در منطقه بود و اجرای پروژه خط تلگراف را منجر به سلطه بیشتر انگلیس بر نواحی شرقی می‌دانست. او با تحریک طایفه رند که در محدوده مرزهای مورد مناقشه و در مسیر خط تلگراف اروپایی در بلوچستان زندگی می‌کردند، سعی در ممانعت برای اجرای طرح

تلگراف کرد. همچنین بازپس‌گیری مناطق مرزی و ساحلی از جمله بندر چابهار و جاسک از نفوذ و سیطره سلطان مسقط که مورد حمایت بریتانیا بود، در راستای این مقاومت صورت گرفت. در نتیجه چنین واکنش‌هایی بریتانیا خواهان تحدید حدود مرزی از طریق دیپلماسی شد. سرانجام عهدنامه تعیین حدود مرزهای بلوچستان میان ایران و دولت انگلستان که خود را نماینده خان کلات می‌دانست، یک سال پیش از مرگ ناصرالدین‌شاه در ۱۸۹۵ در تهران، مابین سفیر بریتانیا و صدراعظم ایران میرزا علی‌اصغر خان امین‌السلطان به امضا رسید. این در شرایطی بود که مطابق با اسناد گذشته مالکیت ایران، محدوده مرزی ایران با هند به دره سند می‌رسید.

پس از قتل ناصرالدین‌شاه و در دوره مظفرالدین‌شاه، مبارزات محلی علیه حضور بریتانیا بار دیگر شدت یافت. این بار علاوه بر سران طوایف، فریق صوفیه مستقر در بلوچستان نیز علیه حضور آنان قیام کردند. خلیفه خیرمحمد از صوفیان بلوچ، رهبری این جنبش را عهده‌دار بود. آن سوی مرز نیز در بخش بلوچستان که تحت سیطره بریتانیا قرار داشت، محراب‌خان گچکی حاکم کیچ نماینده بریتانیا در قلعه تربت را اسیر کرده و در برابر آزادی او خواهان خروج انگلیسی‌ها از منطقه بود. مستشاران بریتانیایی یکی از دلایل این آشوب‌ها را پیشروی قوای عثمانی در خاک یونان می‌دانستند که انگیزه‌های سیاسی مسلمانان را برای تسلط سیاسی بر سرزمین‌هایی که در آن مستقر بودند، تقویت می‌کرد. در این دوران خطوط تلگراف در دو سوی مرز تهدید می‌شد؛ در همین اثنا گریوز، افسر بریتانیایی مسئول خطوط تلگراف جاسک تا گوادر، توسط یکی از طوایف بلوچ به قتل رسید. کشته شدن او بهانه‌ای برای مداخله بریتانیا و همچنین دولت قاجار برای سرکوب ناآرامی‌های منطقه شد.

علاوه بر این بریتانیا خواهان تقویت نیروهای دولتی در منطقه بود و به این بهانه با برگزاری جلسات حل مناقشه با سران و حکام محلی، عملاً نفوذ و دخالت سیاسی خود را در منطقه روز به روز افزایش می‌داد.

ضعف حکومت مرکزی به آنجا رسید که قلاع بلوچستان به تصرف حکام

محلی درآمد و وضعیت ملوک الطوائفی در بلوچستان حاکم شد. این اوضاع مورد حمایت انگلیس قرار داشت و از جمله در ماجرای قلعه کوهک که غلام محمد نوشیروانی آن را به تصرف خویش درآورده بود، دخالت بریتانیا محرز بود. در اسناد ملی، مکاتباتی میان دربار و سفارت انگلستان مبنی بر خاتمه دادن به غائله او و تذکر به دولت انگلیس برای پرهیز از دخالت در این باره به جای مانده است.

حاکمیت ناپایدار والیان کرمان و بلوچستان نیز بر اوضاع نابسامان منطقه می افزود؛ پس از عبدالحسین خان فرمانفرما و نایب او بهجت الملک امیرتومان، حکومت کرمان و بلوچستان به آصف الدوله واگذار شد و دو سال بعد میرزا حسنعلی خان گروسی حکمرانی این منطقه را برعهده گرفت؛ اما دولت او مستعجل بود و با مرگ زودهنگامش، حسام الملک همدانی حاکم شد. او نیز بیشتر از دو سال دوام نیاورد و پس از آن ولایت کرمان و بلوچستان به علاءالملک دیبا رسید. اما آنچه آنچنان که او در سفرنامه خود آورده، وضع بلوچستان در این دوران چنان «پاشیده و مختل است که به وصف نمی آید». سفر او مصادف با نخستین سال قرن بیستم بود؛ در نتیجه، «دوران معاصر» این سرزمین با مجموعه ای از نابسامانی ها و فراز و نشیب های سیاسی و اجتماعی آغاز شده که در متون این مجموعه منعکس شده است.

این بخش از سفرنامه ها خود شامل سه مجلد است. جلد نخست به چهار گزارش مهم از سال های منتهی به انقلاب مشروطه تا پایان دوره پهلوی اول اختصاص دارد و با سفرنامه علاءالملک، والی وقت کرمان و بلوچستان در ۱۳۱۹ ق، مصادف با ۱۲۸۰ خورشیدی آغاز می شود.

سید محمودخان دیبا، ملقب به علاءالملک (۱۳۴۴-۱۲۶۸ق) از رجال مهم عصر قاجار، در تقلیس درس خوانده بود و در همان جا در ۱۲۹۴ ق، کنسولگری ایران را به دست گرفت. پس از آن سال ها مستشار ایران در روسیه بود و از ۱۳۰۸ ق به مدت سه سال وزیرمختار شد. یک دهه پیش از جنبش مشروطه، در حدود یک سال سفیر ایران در بریتانیا بود و پس از آن به مقام وزیرمختاری رسید و

سپس به عنوان سفیرکبیر ایران در عثمانی منصوب شد و شش سال در این جایگاه مشغول به کار ماند. اهمیت مناسبات سیاسی ایران با روس و انگلیس و نقش عثمانی در تحولات منطقه در این دوران، از نقش و جایگاه علاءالملک در مناسبات بین‌المللی ایران آن دوران حکایت دارد. آغاز صدارت او بر سفارت ایران در عثمانی مصادف بود با قتل ناصرالدین‌شاه قاجار.

علاءالملک در ۱۳۱۹ ق مصادف با ۱۹۰۱ م و در نخستین سال میلادی قرن بیستم، والی کرمان و بلوچستان شد و در این کسوت بیش از یک سال نماند. در اندک‌زمانی پس از انتصاب او به سمت والی‌گری کرمان و بلوچستان، رهسپار سفری چندماهه به بلوچستان شد؛ درحالی‌که آگاهی و شناخت چندانی از آن منطقه نداشت. این مدعا در شرح مذاکرات او با مستشاران بریتانیایی نیز وجود دارد و علاءالملک معترف است که بر امور بلوچستان واقف نیست و علت سفر او علاوه بر موضوع برقراری امنیت، آشنایی با سرزمین بلوچستان بوده است. او در مقدمه سفرنامه می‌نویسد «پس از مرگ ناصرالدین‌شاه، خوانین و سکنه چنین تصور و اعتقاد کرده بودند دولت از بلوچستان صرف نظر کرده، بعضی بنای خودسری گذاشته، بعضی حمایت انگلیس‌ها را می‌جستند». مذاکرات او با مستشاران بریتانیایی مستقر در منطقه نیز حاکی از آن است که سرداران دو سوی مرز یا تابعیت بریتانیایی گرفته‌اند و یا از دول ایران و بریتانیا تبعیت نمی‌کنند. در نتیجه، هر دو سوی مذاکره، فصل مشترکی برای حل بحران منطقه و سرکوب برخی از سرداران بلوچ می‌یابند.

سفر علاءالملک به بلوچستان در پی فرمان مظفرالدین‌شاه قاجار و در ۱۹۰۲ م صورت گرفته است. درعین حال این دوران مصادف با خشکسالی‌های پیوسته در بلوچستان بوده که به قحطی و بیماری و آشفته‌گی ناشی از این وضع دامن می‌زده است. علاءالملک نتایج حاصل از سفر خود به آن دیار را نظم دادن به ناآرامی‌های منطقه، توافقاتی با بریتانیا و نیز آگاهی از وضع بلوچستان دانسته و تداوم دستاوردهای این سفر را متکی بر «اراده دولت علیه» و «بسته به توجهات آتیه» عنوان کرده است.

سفر او با تبلیغاتی در پایتخت همراه بود. از جمله در روزنامه مظفری درباره این سفر آمده است:

جناب مستطاب اجل بندگان آقای علاءالملک حکمران کل کرمان و بلوچستان به واسطه ظهور بعضی اغتشاشات در سرحد بلوچستان به امر امنای دولت ابدمدت، به آن صواب عزیمت فرمودند. اردویی مرکب از افواج پیاده و سوار و توپچی به اهتمام جناب عدل السلطنه رئیس کل قشون تشکیل یافته و در اندک مدتی به مگس که قریب به سرحد بلوچستان است، وارد شده و با صاحب منصبان انگلیس که از هندوستان مأمور به این حدود بودند، ملاقات نمودند... در این اوقات نیز به امر اعلیحضرت اقدس شهرباری ارواحنا له الفداء یک عزاده توپ جدید قلعه کوبی با پنجاه رأس اسب و سی نفر توپچی به سرکردگی عمدة الامراء العظام آقامیرزا ابراهیم خان سرتیپ توپخانه در تهران مأمور به کرمان شده. با اینکه متجاوز از یک ماه راه است، در فاصله بیست و هشت روزه وارد شده اند که در صورت لزوم مأمور بلوچستان شوند.^۱

روزنامه ایران هم در همان اثنا درباره این سفر می نویسد:

در این سال گذشته که صفحات کرمان و بلوچستان به واسطه غلای غله و قلت قوت در کمال سختی و تنگی بود، جناب ایشان با اردویی مفصل و منظم از کرمان عزیمت سفر بلوچستان نمود. مدت چهارماه و نیم در حدود و صفحات آن سامان و بیابانهای غیر ذی ذرع^۲ در حرکت و گردش بودند که تمام آذوقه و سیورسات این اردو را از کرمان و بم همراه خود برده بودند. تمام نقاط بلوچستان را سرکشی نموده و تمام این مدت را به تسویه و اصلاح امور سرحدیه و نظم و ترتیب مهمات و اعمال و تأمین محال مشغول بودند. تا به اصالت رأی و اصابت تدبیر و تحمل مشاق و ثبات عزم

۱. روزنامه مظفری، ش ۷، غره محرم ۱۳۲۰ ق، صص ۱۰۶ و ۱۰۷ از کتاب بلوچستان در عهد قاجار، گزیده جراید و مطبوعات، به کوشش مسعود کوهستانی نژاد، مؤسسه آبی پاریسی، تهران ۱۳۹۹
۲. بی آب و علف

و نهایت خیرت و بصیرت و کمال بی‌طمعی، کلیه امور و ثغور آن مملکت را به‌طور خوب و مطلوب، قرین انتظام و انضباط آورده و رعایای بلوچ را که بسیاری از آن‌ها به واسطه بی‌اعتدالی غالباً متوحش بودند، به کلی رام و آرام و آسوده کرده و در تسویه امور سرحدات مبالغی خطیر خرج و خسارت از دولت دفع داده، پس از فراغ از این مهام و استقرار امنیت و انتظام با نیل مرام در اوایل سال مراجعت به کرمان و مرکز ایالت جلیله نمودند و اینک چندی است که به ترتیبات امور سال نو اشتغال دارند.^۱

اما چنان‌که تاریخ گواهی می‌دهد هیچ‌کدام از این دستاوردها پایدار نبوده و در اندک‌زمانی ناامنی از یک‌سو و بی‌اعتمادی به حکومت مرکزی از سوی دیگر در بلوچستان فراگیر شده است. از سویی دیگر بی‌اطلاعی علاءالملک از وضع بلوچستان، فرصت مغتنمی برای مکر و تلبیس بریتانیا در مذاکره با والی تازه‌وارد بوده و زمینه را برای نفوذ و مداخله بیشتر انگلستان در خاک ایران هموار کرده است تا حدی که در یادداشت‌های یکی از دیپلمات‌های بریتانیا در تهران، رضایت کامل از مذاکره با او به چشم می‌خورد.^۲ مستشاران بریتانیایی از علاءالملک می‌خواهند اجازه دهد در قلاع بلوچستان نمایندگان خود را مستقر کنند تا آن‌ها را در برابر یورش‌های محلی ایمن سازد. همین‌طور قراردادی میان او و نماینده بریتانیا در کلات منعقد شد که بر اساس آن هر ساله باید «مجلس حل دعاوی رعایای طرفین» در خاک ایران تشکیل جلسه دهد. این مجالس سال‌های بعد منجر به بحرانی دیگر شد که دلیل آن ادعای غرامت در دعاوی طرفین بود. به عبارتی دیگر علاوه بر مالیات دولت مرکزی، موضوع دریافت غرامت بریتانیا هم اوضاع اقتصادی ساکنان محلی را روزبه‌روز تهدید می‌کرد؛ تا آنجا که عده زیادی از بلوچ‌های این منطقه کوچ کرده و به مسقط و زنگبار رفتند و یا به سوی گوادر و بلوچستان انگلیس، خاک ایران را برای همیشه ترک گفتند... این در حالی است

۱. روزنامه ایران، ش ۱۰۱۶، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۰ ق، صص ۲ و ۳ به نقل از: همان

۲. ر.ک به سالاربهزادی، عبدالرضا، بلوچستان در سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۷ قمری، بنیاد موقوفات افشار، ۱۳۸۴ ص ۳۶۳.

که تهران از تحولات منطقه ناآگاه است و یا نقش و نظارتی جدی بر آن ندارد. از طرفی موضوع قاجاق اسلحه که به مسلح شدن هرچه بیشتر طوایف بلوچ انجامیده بود، بهانه دخالت بیشتر بریتانیا در منطقه را فراهم می‌کرد؛ به‌طوری‌که بریتانیا به بهانه قاجاق اسلحه از مسقط به چابهار، نیروی نظامی خود را وارد خاک بلوچستان ایران کرده بود. این دوران مصادف با تب‌وتاب جنبش مشروطه بود؛ روزگار آشوب و هرج‌ومرج و طغیان که بیش از هر زمان دیگری در آن دوران، برقراری قانون و مجلس قانون‌گذاری و تابعیت از قوانین، مطابق با آنچه که میرزایوسف‌خان تبریزی چند دهه پیش از آغاز مشروطه در رساله یک کلمه بر آن صحه گذاشته و تأکید کرده بود، ضروری به نظر می‌رسید.

سرانجام پنج سال پس از سفر علاءالملک، فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس شورای ملی به امضای مظفرالدین‌شاه رسید. مصادف با همین تاریخ گزارش‌هایی از وضعیت آشفته بلوچستان در مطبوعات آن دوران درج شده است. درعین حال بلوچستان و کرمان از حق فرستادن وکیل به مجلس شورای ملی محروم است و به همین دلیل شرح مصائب و مسائل بلوچستان آن‌طور که باید و شاید به پایتخت نمی‌رسد.

روزنامه ندای وطن با امضای خادم وطن آورده است:

حال بلوچستان رقت‌انگیز است. کار از چاره گذشته و فعلاً گرفتار سکر است. باید دعا که وسیله مأیوسین است، نمود. خیلی غریب است که حق انتخاب و فرستادن وکیل به مجلس ملی تهران به اهالی بم و بلوچستان داده نشده است. گویا خیال کرده‌اند که اهالی بم وحشی و اهالی کرمان دانا و متمدن هستند و این دور از صواب است. اهالی شهر کرمان در تربیت به هیچ وجه سبقتی بر اهل بم ندارند... لازم است دولت مشروطه نظری به سرحد بلوچستان بیندازد و حالا دیگر از دخل این نقطه صرف نظر کرده، اگر دلش سرحد می‌خواهد خرج بکند، تا بعد دخل ببیند.^۱

۱. روزنامه ندای وطن، ش ۲۹، غرة ربیع الثانی ۱۳۲۵ ق، صص ۷ و ۶ به نقل از: همان

با این حال برخی نمایندگان آگاه بر ضرورت انتخاب نماینده از بلوچستان تأکید داشتند. در صورت مذاکرات دوره دوم مجلس شورای ملی به نقل از سیدحسن تقی‌زاده آمده است:

... حکام ولایات دوردست با آن سابقه‌ها مایل نیستند که یک نفر وکیل از بلوچستان در مجلس باشد و می‌نویسد که در تمام بلوچستان که دویست هزار نفر جمعیت دارد، ده نفر باسواد نیست. در صورتی که می‌دانیم این طور نیست. هزارها آدم باسواد هست. برای اینکه لابد علم دین و مذهب می‌آموزند و با سواد در بین آن‌ها هست که با آن‌ها می‌آموزد. به هیچ وجه ممکن نیست این حرف را از حکمران آنجا تصدیق کرد. هیچ وقت حاکم کرمان نرفته است در میان بلوچ‌ها و نظامنامه انتخابات نبرده است که به آن‌ها بگوید بیاید انتخاب کنید از روی نظامنامه و آن‌ها اطاعت نکرده باشند. یا اینکه معلوم شده باشد سواد ندارند. این طور نیست. البته باید حاکم کرمان ترتیبی در این کار بدهد که از روی قانون نماینده منتخب شده و فرستاده شود. این ترتیبی که حالا پیش آمده است بنده این را از عدم میل حکام حمل می‌کنم.^۱

در این دوران و همزمان با تشکیل مجلس شورای ملی و ناامنی و نابسامانی اوضاع بلوچستان، نفوذ میررستم خان باران‌زهی در میان طوایف بلوچ روز به روز بیشتر می‌شد. پس از او پسرش بهرام‌خان که حاکم دزک^۲ بود، زمینه سرپیچی از والی و نایب‌الحکومه را فراهم آورد و در نهایت با حمله و فتح قلعه فهرج، عملاً این منطقه به دست خاندان بارکزهی افتاد. با فتح قلعه، برخی طوایف دیگر نیز به این طایفه پیوستند و برخی نیز توسط بهرام‌خان سرکوب شدند. مهمات به دست آمده از قلعه، بر قدرت نظامی و در نتیجه اقتدار طایفه باران‌زهی در

۱. صورت مذاکرات نمایندگان مجلس شورای ملی، دوره دوم، جلسه ۶۲، مورخ ۲۵ صفر ۱۳۲۸ ق. به نقل از: روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران، ۸ مهر ۱۳۲۵، ص ۸۷.

۲. روستایی در حومه بخش مرکزی سراوان است و در آن قلعه‌ای با نام قلعه دزک یا بلقیس وجود دارد که از قلاع مهم بلوچستان بوده و از دوره صفوی، تاریخ و روایت‌هایی از آن باقی مانده است. ش.

بلوچستان افزود. تصرف قلعه دولت توسط بهرام خان و امتناع از پرداخت مالیات سالانه بلوچستان که بالغ بر چهل هزار تومان بوده است، واکنش هایی برانگیخت و درگیری هایی میان قوای حکومتی و طوایف بلوچ به وجود آورد اما در نهایت اوضاع نابسامان ایران در این دوران امکان تسلط بر منطقه و برقراری نظم در بلوچستان را از حکومت مرکزی سلب کرده بود. در این زمان مأموریت رفع غایله به قوام الملک و بعد از او به سردار نصرت کرمانی رئیس قشون کرمان و بلوچستان سپرده شد، اما ثمری نداشت و لشکرکشی سردار نصرت که با مشایعت برخی طوایف دیگر بود همراه شد به دلیل کمبود مهمات و آذوقه، نه تنها بی نتیجه ماند، بلکه اعتبار و اقتدار حاکمیت مرکزی را بیش از پیش تضعیف کرد و بلوچستان عملاً از تسلط و نفوذ حکومت مرکزی خارج شد.

شش سال پس از سفر علاءالملک است که مجلس قانون گذاری مشروطه تحت عنوان «تحدید حدود دوایر محلیه»، قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام را تصوب می کند و مطابق ماده یک آن، «مملکت محروسه ایران برای تسهیل امور سیاسی به ایالات و ولایات منقسم» می شود. در نخستین تقسیم بندی، ایران منحصر به چهار ایالت آذربایجان، فارس، خراسان و «کرمان و بلوچستان» بود. گرچه در این شیوه تقسیم اهمیت جنوب شرقی ایران مورد تأکید قرار گرفته، اما عملاً حاکمیت مرکزی در این دوران نقش چندانی در تحولات این منطقه نداشته است. به طوری که سال های متمادی بلوچستان از حکومت مرکزی تبعیت نمی کرد و به دست سرداران طایفه باران زهی اداره می شد و وضع ملوک الطوایفی حاکم بر منطقه، امنیت مناطق سرحدی بلوچستان تا بم و نرماشیر را از میان برده بود. گزارش های پیوسته ای از غارت اموال دامدران بم و نرماشیر و جیرفت و... توسط یاغیان بلوچ در این دوران به ثبت رسیده و بی پناهی و درماندگی ساکنین نرماشیر و بم در برابر هجوم پیوسته راهزنان، در نامه های مکرری که به مرکز مخابره می کردند، آشکار است: «مدت شش سال است که اهالی بم و نرماشیر دچار فشار اشرار بلوچ [هستند] خصوصاً در این اوقات که به واسطه نبودن ایالت کرمان، بر تخریب آن ها افزوده و ماهی یکی-دو مرتبه به این

حدود تهاجم می‌کنند... حکومت هم به قدرالقهوه دفاع نمود. عدهٔ قلیل با جمعی کثیر چه می‌تواند بکند؟»^۱

در نتیجهٔ این اوضاع نابسامان، میان دو سفرنامهٔ اول و دوم این مجلد بیست سال فاصله وجود دارد. ناامنی، آشوب‌های داخلی و در نهایت سرپیچی سرداران طوایف از حکام و خودمختاری آنان موجب عدم دسترسی به منطقه و فقدان منابع دست اول و سیاحت‌نامه در این دوران شده و در سال‌های منتهی به شروع جنگ اول جهانی یعنی از ۱۲۸۷ خورشیدی به بعد، عملاً نظارت حکومت مرکزی ایران در بلوچستان به شدت تقلیل یافته است.

با شروع جنگ اول جهانی که چند روز پس از تاجگذاری احمدشاه آخرین پادشاه قاجار به وقوع پیوست، این اوضاع نابسامان افزون شد و گرچه ایران در این منازعه اعلام بی‌طرفی کرده بود، دامنهٔ جنگ و منازعات طرفین به خاک ایران کشیده شد. در همین دوران آلمان‌ها درصدد تهدید منافع بریتانیا و روسیه در منطقه و به‌خصوص جنوب شرقی ایران برآمدند و چنانچه در اسناد بازمانده به وضوح به چشم می‌خورد، تبلیغات و فعالیت آن‌ها در مسقط و چابهار موجب نگرانی مستشاران بریتانیایی در منطقه شده بود؛ تا آنجا که احتمال حمله به تلگرافخانهٔ چابهار به‌واسطهٔ تحریک آلمانی‌ها وجود داشت و بریتانیا نیروهای برای تقویت گردان مستقر در جاسک و چابهار از بمبئی به آن خطه اعزام کرد.^۲

با شروع جنگ جهانی اول در منطقهٔ پنجگور میان بهرام‌خان و قشون بریتانیا درگیری‌هایی صورت گرفت. بریتانیا برای پیشبرد اهداف خود در منطقه نیاز به همراهی سرداران داشت. در نتیجه با بهرام‌خان و برخی از سرداران طوایف دیگر در کارواندر جلسه‌ای برگزار شد و طی آن این توافق به دست آمد که بریتانیا دخالتی در مناطق تحت اختیار خوانین نداشته باشد و در مقابل طوایف بلوچ منطقه نیز، اقدامی علیه نیروهای بریتانیایی نکنند.

با مرگ بهرام‌خان، برادرزادهٔ او دوست‌محمدخان قدرت منطقه را به دست

۱. هفته‌نامهٔ جبل‌المتین کلکه، ش ۳۸، س ۲۱، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ قمری، صص ۱۹-۱۶

۲. به نقل از سرافرازی، عباس، بلوچستان در جنگ جهانی اول، پژوهشنامهٔ تاریخ، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۴

می‌گیرد. این دوران مصادف با شرح سفر و گزارش‌های رضاعلی دیوان‌بیگی در دومین سفرنامه این مجموعه است. از خلال این سفرنامه قطع ارتباط میان حکومت مرکزی و بلوچستان به خوبی قابل مشاهده است.

رضاعلی دیوان‌بیگی معروف به میرزا آقاخان (۱۳۵۶-۱۲۷۲ش) سیاستمدار، سناتور و از جمله نمایندگان مجلس شورای ملی بود که رأی به انقراض قاجاریه داد. در دوره‌های پنجم، ششم و هفتم مجلس شورای ملی نماینده بلوچستان در مجلس شد و در سال ۱۳۲۶ به پیشنهاد تیمورتاش حکومت گیلان، که آن زمان استان یکم بود، را به دست گرفت. پس از آن حاکم مازندران و بعد هم خوزستان شد. مدتی رئیس یکی از ادارات وزارت خارجه بود و در نخستین دوره انتخابات مجلس سنا به نمایندگی از مردم خوزستان سناتور شد. دیوان‌بیگی پیش از آنکه در دوره پنجم مجلس شورای ملی نماینده مردم بلوچستان شود، نقشی مهم و تعیین‌کننده در صلح چندساله میان حکومت مرکزی و سرداران بلوچ ایفا کرده بود. پیش از او سید میرزا حسن خان بلوچ، منتسب به اکراد بلوچستان و باجنق دوست محمدخان، از سوی دوست محمد در دوره چهارم مجلس به عنوان نماینده بلوچستان معرفی شده بود.

از شرح ارتباط رضاعلی دیوان‌بیگی با دوست محمدخان بارکزی در سفرنامه دیوان‌بیگی جزئیاتی بسیار خواندنی آمده است. درعین حال مشاهدات و روایت او از روند مذاکرات صلح میان حکومت مرکزی و سرداران بلوچ و دورانی که از سوی دوست محمدخان و دیگر سرداران، کفیل بلوچستان در مجلس شورای ملی بوده، بسیار حائز اهمیت است. مدیریت وقایعی که می‌توانست منجر به بی‌نتیجه ماندن مذاکرات شود، از جمله اعطای لقب اسعدالدوله بلوچستان به دوست محمدخان و تفقد دلجویی از او به دلیل سوابق و پیشینه‌اش به خصوص در پاسداری از مرزهای شرقی در برابر بریتانیا، از جمله نمونه‌های قابل توجه دیپلماسی نظامیان برای برقراری نظم در بلوچستان این دوران است.

از نتایج حضور نماینده بلوچستان در مجلس شورای ملی آگاهی از مسائل و مصائب بلوچستان بود؛ برخی نمایندگان مجلس تنها چند ماه پس از تاج‌گذاری

رضاشاه طرحی سه ماده‌ای را برای رونق اقتصادی بلوچستان به مجلس پیشنهاد می‌دهند که بر اساس آن:

دولت مکلف است املاک و اراضی را که در بلوچستان خالصه می‌داند کماکان برای محل معیشت به خود بلوچ‌ها واگذارد. ماده دوم: وزارت مالیه مجاز است مبلغ سیصد هزار تومان در جزو مخارج انتفاعی بودجه مملکتی منظور نموده در بلوچستان منحصرأً به مصارف ذیل برساند: تعمیر و احداث قنوات کهنه و تازه، تهیه آلات فلاحتی و توسعه زراعت، ساختمان ابنیه قابل سکونت برای بلوچ‌های صحراگرد، ایجاد مکاتب و مریض‌خانه در نقاط مختلفه، ساختمان طرق و شوارع لازمه، تأسیس دواير پست تلگراف در مراکز مهمه. ماده سوم: پنج سال پس از خرج مذکور در ماده سه دولت در بلوچستان شروع به اخذ مالیات نموده و به تناسب بسط آبادی و مزید بهره‌برداری، متدرجاً مبلغ سیصد هزار تومان که به مصرف رسانیده است از محل برداشت خواهد نمود.^۱

مهم‌ترین مسئله حکومت پهلوی اول برای استقرار دولت ملی که داعیه آن را داشت؛ همانا خودمختاری ایلات و عشایر و عدم تابعیت آن‌ها از حکومت مرکزی بود. پراکندگی قدرت‌های محلی از یک‌سو و وسعت جغرافیای ایران از سوی دیگر، چالش‌های اصلی نظم نوین عصر رضاشاه محسوب می‌شد.

سه سال پس از تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی، دولت مرکزی که مایل بود تسلط بیشتری بر مناطق ایران داشته باشد و اصرار بر استقرار دواير دولتی و نظامی در بلوچستان داشت، با مقاومت دوست محمدخان اسعدالدوله مواجه و در نتیجه رضاشاه مصمم به تسخیر کامل بلوچستان شد. به این ترتیب اردویی شامل تیپ سیستان و مرکز لشکر شرق به فرماندهی امان‌الله‌خان جهانبانی مأموریت فتح بلوچستان را بر عهده گرفت. جهانبانی شرح این لشکرکشی را در کتابی با عنوان عملیات قشون در بلوچستان به نگارش درآورد

۱. روزنامه شفق سرخ، ش ۳۵۵، ۲۱ تیر ۱۳۰۴، ص ۲.

و چاپخانه مجلس آن را در ۱۳۰۷ به چاپ رساند. اما علاوه بر این گزارش مهم، سند با ارزش دیگری توسط یکی از نظامیان دفتری حاضر در این عملیات نگاشته شده که برای نخستین بار در این مجلد به چاپ می‌رسد. این گزارش روزشمار از عملیات قشون که در قالب نسخه‌ای خطی در کتابخانه مرعشی قم نگهداری می‌شود، با عنوان سفرنامه جنگ، حاوی اطلاعات دست اول و بسیار مهم از روند تاکتیکی و نظامی عملیات قشون در بلوچستان عصر پهلوی است.^۱ جزییات مندرج در این سفرنامه که روند روزانه درگیری و نیز مذاکرات پیوسته طرفین مخاصمه در روزهای نبرد را منعکس می‌کند، تصویر تازه‌ای از این رویداد مهم تاریخی ارائه می‌دهد. نویسنده از روز پنجم آبان تا ۱۵ اسفند ۱۳۰۷ و تسلیم شدن دوست محمدخان را در قالب یادداشت‌هایی روزانه ثبت کرده است. او همزمان که ستون‌های نظامی اردوی بلوچستان و فرماندهان آنان را برمی‌شمارد، مکان‌ها و موقعیت مناطق عملیات را شرح داده و لابه‌لای آن اطلاعاتی درباره مسافت میان مکان‌ها، محصولات کشاورزی، آبادی‌ها، وضعیت راه‌ها و نیز طوایف بلوچستان می‌دهد. از جمله موضوعات قابل توجه در این سفرنامه، مشروح مذاکرات امیران قشون با دوست محمدخان در روزهای مخاصمه است که زوایایی از دیپلماسی حکومت مرکزی در مواجهه با گروه‌های یاغی اقوام ایرانی را در خود منعکس می‌کند. نامه‌هایی که در میانه کارزار و میان طرفین ردوبدل شده و تلاشی که برای جلب اطمینان جامعه بلوچستان از تحولات سیاسی و نظامی حکومت مرکزی در این دوران صورت گرفته، در نوع خود کم نظیر است.

در نسخه خطی موجود، نام نویسنده نامشخص است. در کتاب عملیات قشون در بلوچستان، جهانبانی از افرادی نام برده و توصیه کرده که آن‌ها شرحی از این عملیات بنویسند. جهانبانی نوشته است:

۱. در نخستین صفحه نسخه خطی موجود در کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۲۵۷ نوشته است: «تاریخ جنگ بلوچستان در حدود سنه ۱۳۰۵ در عهد اعلیحضرت پهلوی که به قلم یکی از صاحب منصبان حاضر وقعه، به رشته تحریر درآمده و اهمیت دارد». این یادداشت نوشته آیت الله حاج میرزا محمدامین نجفی خویی صدرالاسلام است و نسخه خطی این سفرنامه نیز توسط فرزندان او به کتابخانه مرعشی هدیه شده است. ش